

فتح الرحمن*

نوشته: احمدخان

ترجمه: حسن لاهوتی

در میان آثار برجسته شاه ولی الله،^۱ کتاب فتح الرحمن فی ترجمان القرآن^۲ از جهت تبلیغ و تعلیم قرآن مجید در بین مسلمانان شبه قاره (هند) از همه نافذتر و مؤثرتر شناخته شده است. این اثر در میان ترجمه‌های فارسی قرآن کریم از مقامی عالی برخوردار بوده و هست. اکنون تمام آثار این دانشمند بزرگ مسلمان از پردهٔ اختفا بیرون آمده و کاملاً مشهود است. معدودی از آنها با دقت تصحیح شده و بقیه در انتظار آن است تا به افکار و اندیشه‌هایی که مؤلف ما شرح و تفسیر کرده است جانی تازه بخشد. این ترجمه مفید و بجای، دانشپژوهان و دانشجویان را چه در زمان حیات مؤلف و چه پس از او مسحور و شیفتهٔ خود ساخت. واقعیت آن است که این ترجمه، در حفظ تماس

* اصل این مقاله به زبان انگلیسی در ماهنامهٔ "فرهنگ اسلامی" ژانویه ۱۹۷۸ چاپ شده است:

Islamic Culture, An English Quarterly, Vol LII, No. I Jan. 1978.

مسلمانان با قرآن مجید نقش ممتازی را ایفا کرد و در نتیجه عده‌ای از دانشپژوهان آن را استنساخ کردند و نزد شاه ولی الله خواندند. دانشپژوهان را رسم چنان بود که برای کسب دانش از آثاری که دانشمندان بزرگ می‌نوشتند به مراکز علمی بیایند، محل سکونت شاه ولی الله نیز به همین نحو در زمان حیاتش به صورت یکی از مراکز علمی درآمد بود.

دانشپژوهان، کتابهای دانشمندان بزرگ مسلمان را به دست خود استنساخ می‌کردند یا نسخه‌ای از آن را که به خط خوش رونویسی شده بود تهیه می‌کردند و تمام آن یا بخشهایی از آن را نزد شاه ولی الله می‌خواندند و شاه ولی الله ضمن تدریس، بعضی نکات غامض و مبهم را برایشان روشن می‌ساخت و توضیح می‌داد و اگر رأی او قرار می‌گرفت اجازه تدریس آن کتابها را به آنان می‌داد. ^۳ در حین درس دادن اگر نکته‌شایان تحقیقی به ذهن شاه ولی الله می‌آمد توجه شاگردان را به آن جلب می‌کرد و آن را در حاشیه کتاب می‌نوشت. او به تدریس کتابهای خویش بسیار مقید بود و عادت داشت که کلمه به کلمه کتابهای خود را مقابله و مطابقت کند و به هر نکته آن توجه عمیق مبذول دارد. وی مثل هر مؤلفی آثار خود را کامل نمی‌دانست، بنابراین هرگاه نکته‌ای ناتمام می‌یافت آن را کامل می‌کرد و به نظر شاگردان خود می‌رسانید، سعی بلیغ وی بر آن بود که کتابی کامل و بی غلط و دقیق را پیش روی شاگردان قرار دهد. بنابراین می‌توان گفت کتابهای او که در اواخر عمرش نزد وی خوانده شده کاملترین نسخه‌ها بوده است.

یکی از خدمات بزرگ و ارزنده شاه ولی الله که کمتر از همه بدان توجه شده، تربیت شاگردانی است که مشعلدار ایمان و عمل او بودند، اینان در واقع فرزندان معنوی روشنفکر دودمان وی هستند. فرزندان هم یقیناً به سبب کارها، فعالیتها و ارتباط نزدیک با عامه قوم مسلمان شخصیت‌های بسیار برجسته‌ای می‌باشند. تعداد بسیار زیادی از شاگردان شاه ولی الله ناشناخته مانده و به فراموشی سپرده شده‌اند و یا اینکه دنیای دانش از آنان بی‌خبر است. تحقیق درباره ایشان و فعالیتها و خدماتشان و کمکی که به ساختن جامعه سده ۱۲ ق/ ۱۸ م شبه قاره هند کردند نیازمند مطالعه و پژوهشی شایسته است.

یکی از شاگردان وی به نام سید نورشاه به مدرسه علوم دینی شاه ولی الله وارد شد و همراه کتابهای دیگر، کتاب فتح الرحمن را نزد وی خواند و برای نقل آن به دیگران اجازه نامه کسب کرد. در سطرهای بعدی سعی خواهیم کرد تا این نسخه خطی و امتیازات آن را همراه با خصوصیات برجسته اش از پرده اختفا برون آوریم: این نسخه منحصر به فرد پس از آنکه مدتی مدید دراختفا مانده بود به طور تصادفی کشف شد. در محرم ۱۳۹۴ ق/ژانویه ۱۹۷۴ یکی از معامله‌گران بازار کتابهای کهن، نایاب و کمیاب انگلیسی که حتی کلمه‌ای عربی یا فارسی نمی دانست وارد کتابخانه مؤسسه تحقیقات اسلامی (اسلام آباد پاکستان) شد و این "کتاب کهن دست نوشته" را به کتابدار نشان داد و می خواست که آن را به این امید بفروشد که این کتابخانه پول معتابهی به وی بپردازد. کتابدار قبلاً از اهمیت این نسخه خطی باخبر بود و از فروشنده کتاب درباره مالکیت کتاب و اینکه از کجا به دست او رسیده است سؤالاتی کرد. فروشنده کتاب گفت فردی را که يك ماه پیش آن را به وی فروخته است نمی شناسد. خلاصه بر سر قیمت موافقت به عمل آمد و در نتیجه آن نسخه خطی وارد کتابخانه شد.^۴

این نسخه خطی شامل ۵۴۴ صفحه به قطع ۱۵×۲۵ سانتی متر و هر صفحه دارای ۱۸ سطر و معدودی از صفحات دارای ۱۹ سطر است و وضع خوبی دارد، بر بعضی صفحات اثر لکه‌های آب دیده می شود اما به نوشته‌ها آسیبی نرسیده و جز این، همه صفحات کامل و از گزند بدور مانده است. آیات قرآن بین سطور این ترجمه به خط نسخ تحریر یافته و زیر آن خط قرمز کشیده شده است. پیش از شاه ولی الله رسم بر این بود که ترجمه در زیر آیات نوشته می شد. عکس این امر، ممکن است نوآوری شاه ولی الله یا نسآخ این نسخه خطی باشد که شیوه‌ای را انتخاب کرده که ابتدا آیات نوشته شده سپس ترجمه آنها به زبان فارسی در عرض آن آمده است. توضیح آیه‌ها، عنداللزوم، پس ترجمه آنها با عبارت "مترجم گوید" و در بعضی جاها بدون این عبارت داده شده است، اما این جاها بر هر خواننده‌ای معلوم است. یادداشتها نیز به زبانهای عربی و فارسی در حاشیه نسخه بر ترجمه افزوده شده است. این حواشی اکثراً به دست سید نورشاه، صاحب نسخه، ضبط شده است و

همانطور که از عبارت "منه مدظلّه العالی" در پایان هر جمله برمی آید وی این حواشی را در زمان قرائت نسخه نزد شاه ولی الله نگاشته است. محدودی از این حواشی از نظر روش تحریر کمی متفاوت است و با اسم "احمد" تمام می شود. اگر در گمان خود به خطا نرفته باشم این افزوده‌ها به دست خود شاه ولی الله صورت گرفته، چون روش نگارش و شیوه تحریر این نوشته‌ها تا اندازه‌ای بی قید و بند و شبیه دستنوشته‌های دیگر او است. به این علت است که این جملات با نام شاه ولی الله ختم می شود. در حاشیه‌های این نسخه خطی ما با شیوه تحریر سوّمی نیز مواجه می شویم، اما پخته و در حدّ کمال نیست و می تواند به دست هرکسی نوشته شده باشد که در زمانهای متأخر مالک آن بوده و شاید در مرز شمال غربی هند می زیسته است. چنین به نظر می رسد که این مالک نیز این نسخه را با نسخه دیگری از آن مقابله کرده و بعضی کلمات و جملاتی را یافته که از چشم مقابله کنندگان قبلی گریخته است، بنابراین وی آنها را بدون ذکر نام خود در حاشیه نسخه ثبت کرده است. نسخه خطی تحت بررسی را آقای عظمت الله بن حافظ لطف الله کتابت کرده که تاکنون نگارشی ناشناخته است.^۵ شیوه تحریر وی و دقتی که در آن نشان داده می بین آن است که او خطاط به مفهوم اخص کلمه نبوده، بلکه احتمالاً نسخه بردار دانش پژوهان بوده، همان طور که از شیوه تحریر این نسخه برمی آید، همواره آن را کتابت کرده است. خاتمه‌ای در صفحه شماره ۵۳۵ نگاشته شده است که ترجمه را به پایان می آورد اما متن اصلی کتاب در صفحه شماره ۵۴۴ پایان می پذیرد. به عبارت دیگر ۵۳۵ صفحه شامل همه قرآن و ترجمه آن است اما ۹ صفحه دیگری که بعد از آن آمده تمام یادداشت‌های حواشی را دربردارد که توضیح بعضی نکات دشوار و پیچیده قرآن است و به حسب ضرورت بر آیات مختلف نوشته شده.

اگر خاتمه کتاب، تاریخ اتمام آن را دربر نمی داشت و اجازه نامه شاه ولی الله در طرف راست نخستین صفحه آن نیامده بود حکم کردن به اصالت این نسخه خطی به آسانی میسر نبود. خاتمه چنین است:

قد وقع الفراغ من ترجمة القرآن المجید تصنیف حقائق و معارف
آگاه میان شاه ولی الله فی وقت نصف النهار یوم الثلاثاء فی سبعة عشر

من رمضان المبارك سنة الف ومائة واثنا وسبعين من هجرة النبي صلى الله وسلم بيد الفقير الى رحمة الله عظمت الله بن حافظ لطف الله غفر الله له ولوالديه .

بعضی خصوصیات منحصر به فرد و بی مثالی که این نسخه خطی را ممتاز ساخته، عبارت است از قرائت آن نزد مؤلف، یادداشت‌های معدودی که به خط خود او در حاشیه نسخه آمده و اجازه نامه وی در آغاز نسخه، که به سید نور شاه داده است. نوشته واضح و صریح شاه ولی الله چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم . الحمد لله وحده . اما بعد فقد سمع على طرفاً من هذا الكتاب المسمى بفتح الرحمن في ترجمة القرآن صاحب هذه النسخة السيد نور شاه، واجزت له رواية سائره . وانا الفقير مؤلف الكتاب احمد المدعو بولي الله كان الله له في الاولى والاخرى، والحمد لله .

از دیگر امتیازات این نسخه هم که سخن نگوییم، تنها همین قرائت بر مؤلف اهمیت آن را بسیار افزون می سازد. هر چند مؤلف در این اجازه نامه تصریح نکرده که این نسخه خطی کی و کجا نزد او خوانده شده است، شاید در این استنتاج حق به جانب ما باشد که نسخه مزبور از رمضان ۱۷۲ ق یعنی از زمان استنساخ آن تا فوت وی که چند سال بعد در محرم ۱۱۷۶ ق اتفاق افتاد در دهلی تحت نظر شاه ولی الله باقی بوده است. اگر می توانستیم نشانه‌ای از زمان اقامت سید نور شاه در دهلی به دست آوریم زمان تقریبی و حتی دقیق این قرائت را می شد تعیین کرد. امامت‌اسفانه نتوانستیم حتی اثری هم از زندگی به دست آوریم. از روی نشانه‌هایی چون وجود این نسخه خطی در آن ناحیه و یادداشتها و بعضی علائم خاصی که بر آن مضبوط است می توان حدس زد که این صاحب قبل تر نسخه شاید اهل جانب شرقی پاکستان بوده است.^۶

این نام سید نور شاه، هر چند نه به صورت انحصاری، از اسامی خاص ناحیه سابق الذکر است. امیدواریم فردی محقق، پرده از چهره این دانشمند برگیرد، زیرا

وی شخصیتی بوده که در فضل و دانش مرتبه‌ای چنین رفیع یافته، و شاه ولیّ الله پس از تصدیق توانایی او در قرائت بخشی از این ترجمه به او اعتماد کرده و نه تنها اجازه‌نامه آن بخش را که نزد وی خوانده بلکه اجازه نامه تمام کتاب را به او بخشیده است.^۷

گذشته از امکان پیدا شدن نسخه خطی دیگری از این ترجمه در آینده، باید متذکر شد که تاکنون، این نسخه تنها یکی از آخرین نسخی است که مامی توانسته‌ایم به صورت خطی به دست آوریم. این نسخه ممکن است آخرین نسخه‌ای باشد که بر مؤلف آن خوانده شده و مؤلف آن را به امضاء و حواشی خود مزین ساخته است.

احتمالاً برای اکثر خوانندگان جالب خواهد بود بدانند که اجازه‌نامه ثبت شده بر این نسخه خطی منحصر به فرد نیست. زیرا شاه ولیّ الله رسم داشت که نسبت به آثار خود و کتابهای دیگری که برایش خوانده می شد چنین اجازه‌نامه‌ای را بدهد. بی‌مناسبت نیست که کمی هم در این زمینه راجع به خط تحریر شاه ولیّ الله صحبت کنیم: نمونه‌هایی را که این نویسنده بررسی کرده است چندتایی بیش نیست. اما از همین نمونه‌های معدود می توان پی برد که شیوه تحریر وی، نه فارسی است و نه نسخ، بلکه نوع خاص تحریری است که در شبه قاره هند رواج پیدا کرد و تغییر بیشتری یافت و به صورت "شکسته" درآمد.

چند کلمه هم درباره یادداشتهای جمع آمده در پایان این نسخه خطی شایان توجه است. روشن است که همه این ۹ صفحه یادداشتهای به دست کاتب این نسخه خطی نوشته شده است، هر یادداشت با کلمه "وله" بامرکب قرمز آغاز می شود. طول آنها متفاوت و در پایان نسخه به منظور خاصی که چنین بیان شده جمع آوری شده است:

باید دانست که در هامش این ترجمه حواشی چند نوشته بودند، بعضی مبین توجیه که ترجمه مبنی بر آن است و شاهد وجهی از وجوه تفسیر که در ترجمه اختیار کرده شد، و بعضی تنبیه بر تفردات و ترجیحات فقیر. و به حسب اتفاق بعضی آن حواشی به زبان عربی بود

و بعضی به زبان فارسی. چون این ترجمه مبیض گشت به خاطر مستحسن نمود که آن حواشی را که در ذیل این نسخه به همان عبارت که داشت نوشته شود تا ناظر ترجمه آن فوائد را نیز دریابد در وهله اول چنین می نماید که این نسخه خطی کامل شناخته شده و با نوشتن قسمت خاتمه پایان یافته است، اما سید نورشاه، صاحب آن بعدها پی به اهمیت این حواشی برده و آنها را به صورت يك فصل جداگانه به خط همان کاتبی که بخش اصلی کتاب را نوشته بود در پایان نسخه جمع آورده است. این کار، ابتکار نورشاه بوده یا خود مؤلف، سؤالی است که باید روشن شود.

همچنین باید توجه خوانندگان را به قسمتی از این نسخه خطی که نزد مؤلف آن خواننده شده است جلب کرد. بدیهی است که سید نور شاه تنها بخشی از آن را [= طَرَفًا] نزد معلم خود خوانده است. (کلمه "طَرَفًا" از نظر فقه اللغه درباره بخش اصلی بکار برده نمی شود بلکه می تواند به معنای هر جزء کوچکی از کل باشد.) بسیاری از نشانه‌ها را باید در این نسخه مبین بخشی دانست که بر شاه ولی الله قرائت شده است. به جرأت می توان گفت که این نسخه خطی از آغاز تا سوره اعراف آیه ۱۵۰، بر شاه ولی الله قرائت شده است. زیرا ملاحظه می شود که یادداشتهای نوشته شده در حاشیه جاهای مختلف این بخش به دست سید نورشاه و معدودی از آنها به خط شاه ولی الله نگاشته شده است. حاشیه‌هایی که به دست سید نور شاه اضافه شده است با عبارت "منه مدّ ظلّه العالی" و آنچه که به دست مؤلف افزوده شده با کلمه "احمد" که نام شاه ولی الله است پایان می پذیرد. خط سومی هم در بقیه نسخه دید می شود. در آخرین بخش این نسخه خطی نیز نکاتی چند به خط سید نور شاه یاد داشت شده است. اما هیچ علامتی ندارند که نشان دهد این یادداشتهای از کیست. به گمان من این ترجمه تا سوره اعراف بر شاه ولی الله قرائت شده و بقیه آن را خواننده همراه مؤلف با نسخه دیگری از آن تطبیق داده است. صاحب دوم نسخه نیز آن را با چنین نسخه‌ای مقابله کرده و در نتیجه بعضی نکات را که از نظر صاحب اولی آن دور ماندم و یا مؤلف بعدها در نسخه‌ای دیگر افزوده بوده، یادداشت کرده است. مقابله کننده دومی در پایان همه یادداشتهای کلمات "منه مدّ ظلّه العالی / احمد" را ذکر کرده

و گاهی هم ذکر نکرده است.

آیا ممکن است بگوییم که این سومین نفر ناشناخته نیز یکی از شاگردان و مریدان شاه ولیّ الله بوده است؟ اما اعتماد بر این گمان آسان نیست زیرا مهری که بر این نسخه خطی وجود دارد به نام "سید نور شاه خادم شرع" و به تاریخ ۱۱۶۷ بعد از هجرت است. مهر مزبور نشان می دهد که این نسخه خطی دست کم تا پایان آن سال نزد سید نور شاه باقی بوده است، پس این سوال پیش نمی آید که نسخه خطی مورد بحث را دیگری نزد شاه ولیّ الله قرائت کرده باشد.

* بی نوشتها و مآخذ:

۱. برای خلاصه شرح زندگانی وی رك: دایرة المعارف اسلام، (ویرایش جدید) ذیل دهلوی شاه ولیّ الله، به قلم س. ا. بزمی انصاری. این مقاله دارای کتابشناسی خوبی است.
 ۲. تقریباً همه نسخ چاپی این اثر عنوان فتح الرحمن، فی ترجمة القرآن را دارد. اما عنوانی را که این نویسنده گرفته، مؤلف در اجازه خود، خاص این نسخه، آورده است.
 ۳. او اجازه نامه‌هایی از این قبیل را به شیخ محمد بن پیر محمد در خصوص پنج کتاب معتبر حدیث عطا کرد. نیز، بنگرید: یادداشت شماره ۷، ذیل.
 ۴. در شماره ژانویه ۱۹۷۵ نشریه ماهیانه مؤسسه که به زبان اردو به نام فکر و نظر منتشر می شود گزارشی در این خصوص به چاپ رسیده است.
 ۵. به سبب کمبود و نیاز شدید به نسخ که به کار تحصیل علم آید، افراد دانشمندی بوده‌اند که برای کسب معیشت با غیر آن استنساخ آثار علمای مسلمان را حرفه خود ساخته بودند.
 - عظمت الله یکی از آنان و به نوبه خود فردی عالم بود و ما بجز اینکه وی در بخش پایانی کتاب، فارسی و عربی را به هم ممزوج ساخته است هیچ گونه غلط فاحشی که نساخ حرفه‌ای در نسخ خطی مرتکب شده‌اند از وی نمی بینیم. او باید یکی از مریدان تحت تعلیم شاه ولیّ الله باشد. این گونه نساخی را مریدان به منظور تکثیر کتاب برای دانش‌پژوهان انجام می دادند. قیاس کنید با اخبار الاخیر اثر عبدالحق دهلوی (بیروت، ۱۲۷۸ ق: ص ۲۰۶ - ۲۰۱) در خصوص شیخ علی المتقی.
 ۶. دو علامت گلی شکل و یکی دوجمله‌ای که به پشت در حاشیه نوشته شده است نشان می دهد که این نسخه در تملک خانواده‌ای از پاتان قرار داشته است.
 ۷. تا جایی که معلوم است این گونه اجازه نامه‌ها هم بر کتابهایی که نزد او قرائت می شده و هم بر کتابهایی غیر آن دیده می شود.
- یکی از این اجازه نامه‌ها را می توان در نسخه خطی تحت بررسی به چشم دید، اجازه نامه دیگر بر کتاب صحیح بخاری ثبت است که در کتابخانه شرقی خدابخش، پتته (هند) نگهداری می شود. این کتاب اجازه نامه به شیخ محمد بن پیر محمد را در خصوص پنج کتاب معتبر حدیث و در پایان در خصوص رساله‌ای از مؤلف ما، به نام

”الفضل المبين في المسلسل من حديث النبي الامين“، در بردارد. بنگريد: الفرقان (شاه ولي الله)، ص ۲۴۸-۲۴۶.

اجازه نامه به كتابهاى غير از اين را مى توان در تفهيمات الهيه (بيجنور، ۱۹۳۶، ص ۲۲۷-۲۳۵) ديد كه به حافظ عبدالرحمن الهوى داده شده است. ع



عكس اجازه نامه شاه ولي الله به سيد نور شاه



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی